



مقطع تحصیلی: کاردانی □ کارشناسی □ × ... روابط عمومی ... : ... سال تحصیلی: -

: تحولات اجتماعی ایران معاصر .. نام و نام خانوادگی مدرس: .. رضوان مشاهری فرد ..

email: rezvan271355@gmail.com تلفن همراه مدرس: ..

جزوه درس: مربوط به هفته : اول □ × □ □
 □ :text □ × □ □ :voice □ □ □ :power point
 □ تلفن همراه مدیر گروه :

ایران معاصر

درباره اینکه تاریخ معاصر ایران از چه دوره ای آغاز می گردد، دیدگاه های گوناگونی مطرح شده است.

- ۱- گروهی آغاز تاریخ معاصر ایران را از زمان شروع دوره صفویه دانسته اند.
- ۲- برخی ابتدای سلطنت قاجاریه را نقطه آغاز تحولات ایران تلقی کرده اند.
- ۳- بعضی نیز نقطه شروع تحولات را در مشروطه جستجو کرده اند.

اما واقعیت آن است که با مطالعه تاریخ معاصر ایران به خوبی درمی یابیم که ریشه بسیاری از تحولات اساسی ایران، به قبل از مشروطه و حتی پیش از قاجاریه باز می گردد؛ از این رو نظریه ای که نقطه شروع تاریخ معاصر ایران را دوره صفویه دانسته، واقعی تر به نظر می رسد.

تحول، تغییر و رویداد

گاهی وقایع مهمی در زندگی روزمره مردم اتفاق می افتد که توجه رسانه ها و مردم را به خود جلب می کند. به این موارد «رویداد» گفته می شود. مواردی مانند تبعید حضرت امام (قدس سره) ، کاپیتولاسیون.



مقاله منتشره در تاریخ هفدهم دی ماه ۱۳۵۶ در روزنامه اطلاعات، جنگ تحمیلی و ... ، همگی رویداد به شمار می آیند؛ اما حوادثی چون تصادف های رانندگی معمولی، این گونه نیست.

گاهی نیز مجموعه ای از رویدادها را مشاهده می کنیم که پی درپی به وقوع پیوسته اند، مانند لایحه انجمن های ایالتی و ولایتی، لوایح شش گانه در بهمن ۱۳۴۱ و حمله به فیضیه در ابتدای فروردین ۱۳۴۲، دستگیری حضرت امام (قدس سره) ، قیام ۱۵ خرداد، سخنرانی حضرت امام علیه کاپیتولاسیون و تبعید ایشان، که مجموع این رویدادها به «تغییر»، یعنی انقلاب اسلامی ایران، منجر گردید. معمولاً برای وقوع تغییر به اندازه عمر یک نسل، به زمان نیاز است. نهضت ملی شدن صنعت نفت یا انقلاب مشروطه، تغییر نامیده می شوند، زیرا در آنجا مجموعه ای از رویدادها صورت گرفت و آن تغییرها را در پی داشت.

«تحول» حاصل مجموعه ای از تغییرات است؛ مثلاً جنگ های ایران و روس، نهضت تنباکو، انقلاب مشروطه، نهضت ملی شدن نفت، قیام ۱۵ خرداد و انقلاب اسلامی، مجموعه رویدادها و تغییراتی اند که در طی دوپست سال گذشته در کشورمان رخ داد و ایران را دگرگون کرد.

ایران قدیم و ایران جدید

تفاوت های عمده آنها را در عرصه های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی می توان اینگونه بیان کرد ؛ البته این خود نشان دهنده تحول جامعه ایران در ابعاد مختلف است.

۱. در عرصه سیاسی: حکومت در ایران قدیم، غالباً از نوع سلطنتی و قدرت در آن، متمرکز بود. در این حکومت، مفاهیم و پدیده هایی همچون انتخابات، مطبوعات، حزب، پارلمان، تفکیک قوا، کودتا، انقلاب، استبداد، استعمار و وابستگی، برای مردم ناشناخته بود؛ اما حکومت در ایران جدید، در آغاز از سلطنتی استبدادی به سلطنتی مشروطه و سپس به جمهوری اسلامی تغییر یافته و به آرای مردم بیش از پیش توجه شده است. همچنین انتخابات، مطبوعات، حزب، پارلمان، تفکیک قوا و ... در آن جایگاه خاصی یافته و پدیده های استبداد، استعمار و وابستگی شناخته شده اند.



۲. در عرصه اقتصادی: در ایران قدیم، اقتصاد سستی حاکم بود؛ اما در دوره جدید، اقتصاد صنعتی برقرار گردیده است و از روش های سستی قدیم، کمتر استفاده می شود. در گذشته، صنعت نفت در ایران وجود نداشت؛ اما اکنون در حدود صد سال است که نفت با اقتصاد ایران عجین شده و این مسئله، خود باعث بروز برخی اتفاقاتی در ایران گردیده است. عده ای نفت را طلای سیاه و دسته ای دیگر، آن را بلای ایران نامیده اند.

۳. در عرصه فرهنگ: در ایران قدیم، دانشگاه به سبک جدید تأسیس نشده بود و تحصیل فقط در مکتب خانه ها و حوزه های علمیه ممکن بود؛ اما در ایران جدید، مدارس و دانشگاه ها در سطح گسترده ای تأسیس شده و کشور دارای نظام آموزشی فراگیر است. علاوه بر آنکه در قدیم، از پدیده هایی مانند رادیو، تلویزیون، ماهواره و سینما، خبری نبود؛ اما اکنون آنها را مشاهده می کنیم.

نکته دیگری که باید به آن توجه کرد، این است که محتوای این درس از مقولات تاریخی است و نقطه تمرکز آن نیز بررسی تحولات ایران معاصر می باشد. در اینجا یک سؤال اساسی مطرح می شود که اساساً تاریخ چیست؟ و مقوله های تاریخی از چه نوع است؟

تاریخ یعنی هر چیزی که مربوط به گذشته است، اعم از انسان، دولت، زمین و تاریخ حتی می تواند یک علم باشد؛ مثلاً می خواهیم تاریخ فقه را بررسی کنیم؛ اما مشکل در این است که چگونه می توان چیزی که اکنون وجود ندارد، بررسی کرد؟ به عبارت دقیق تر، چیزی که اکنون در اختیار ما نیست، چگونه با چه ابزاری، به چه طریقی، با کدام روش و بر اساس چه علایمی، می توان مطالعه و بررسی کرد؟ از باب نمونه می خواهیم حادثه عاشورا را بررسی کنیم؛ در حالی که صدها سال از این حادثه گذشته است، پس باید چه کار کنیم؟ یک پاسخ این است که ما از اسناد و خاطرات افرادی که در آن مقطع حضور داشته اند، استفاده کنیم، چون به هر حال، همواره چیزهایی از گذشته ها وجود دارد که با مراجعه به آنها، می توان آن دوره را بررسی کرد؛ اما سؤال این است که آن چیزها چیست و چه کسی آنها را تهیه کرده است؟ آیا هر اتفاقی که هم اکنون رخ می دهد، ثبت و آن گاه منتشر می شود؟ البته که این طور نیست، پس چه چیزهایی



ثبت می شوند یا در تاریخ و اخبار روزنامه ها منعکس می گردند؟ باید گفت که تنها وقایع مهم این طورند. سؤال دیگر اینکه مراد از «مهم» چیست و از دیدگاه چه کسی، مسئله ای مهم یا غیر مهم تلقی می شود؟ همچنین باید توجه کرد که گاهی یک حادثه در زمان وقوع آن، چندان مهم نیست، اما در آینده اهمیت پیدا می کند.

گزینش حوادث

برای پاسخ به این سؤال که «انسان چه چیز را مهم می داند؟» باید بدانیم که خط فکری او چیست؟ عضو کدام حزب و جناح است؟ چه مذهب و دینی دارد و سرانجام با آن پدیده تاریخی چه نسبتی دارد؟ بنابراین گزینش و نقل وقایع تاریخی، به اشکال و دلایل گوناگونی رخ می دهد. پس اگر بخواهیم به واقعیت پی ببریم، دو روش مطرح می شود:

۱- سنجش وضعیت نقل کننده تاریخ و محتوای نقل او

۲- بهره برداری از فلسفه تاریخ

باورها و تحولات اجتماعی

از آنجا که باورهای موجود در یک جامعه با چگونگی تحولات آن جامعه ارتباط مستقیم دارد، اگر بخواهیم تحولات یک جامعه را بررسی و علت وقوع حوادث و رویدادها را پیدا کنیم، باید از محتوای باطنی انسان های آن جامعه آگاه شویم، ولی مشکل این است که ما در جامعه با انسان های گوناگونی روبه رو می



شویم؛ به گونه ای که بررسی و شناخت محتوای باطنی باورهای تک تک آنان ممکن نیست. برای رهایی از این مشکل می توانیم انسان ها را به دو دسته تقسیم کنیم:

۱. نخبگان که تعدادشان کم است؛

۲. توده مردم که اغلب افراد جامعه این گونه اند.

توده مردم معمولاً تابع نخبگان می باشند. این دسته اهل ابداع، خلاقیت و ابتکار نیستند، بلکه نقش پیرو را ایفا می کنند. نخبگان ساختار سازند و نقش آنها الگوسازی برای جامعه است؛ در حالی که توده مردم دنباله

رو می باشند. نخبگان جامعه، اقسام گوناگونی، مانند نخبگان دینی، نخبگان سیاسی، نخبگان اقتصادی، نخبگان نظامی و ... دارند. از منظر دیگر، نخبگان دو دسته اند:

۱. نخبگان ابرازی که در عرصه های ثروت و قدرت نظامی حضور دارند؛

۲. نخبگان فکری که در عرصه های سیاست، دین و مذهب حضور دارند. اینان رهبران سیاسی و مذهبی جامعه اند.



جامعه در صورتی یک دست و پیوسته است که نخبگان آن با هم متحد و هم آهنگ باشند؛ اما اگر در میان نخبگان، اختلاف و خصومت بروز نماید، این اختلاف در میان مردم نیز ظاهر می گردد، زیرا مردم دنباله رو نخبگان هستند؛ مثلاً با بررسی ماجرای مشروطیت متوجه می شویم که تا وقتی علما با هم متحد بودند، مردم نیز با آنها هم صدا بودند، ولی پس از بروز اختلاف میان آنها، جامعه هم دچار دو دستگی شد.



نیروهای مؤثر در تحولات سیاسی - اجتماعی ایران معاصر

تحولات ایران معاصر تحت تأثیر حضور چهار نیرو بوده است:

- ۱- نیروی دین، شامل مراجع، علما، روحانیون، طلاب و پیروان آنها؛
- ۲- نیروی دولت و هیئت حاکمه؛
- ۳- نیروی جدید (روشنفکران)؛
- ۴- نیروی بیگانه، شامل کشورهای روسیه، انگلیس، آلمان، فرانسه، عثمانی و آمریکا.



نمونه سوالات:

- ۱- برحسب نظرات متفاوت تاریخ شروع تحولات در ایران شامل چه دوره های زمانی میشود؟
- ۲- تفاوت بین تحول و رویداد در چیست؟ توضیح دهید.
- ۳- افراد در سیر تحولات اجتماعی در یک جامعه به چند دسته تقسیم میشوند توضیح دهید.
- ۴- نیروهای موثر انسانی در تحولات تاریخی و اجتماعی ایران کدامند؟ توضیح دهید.